



دانشتان نویسن وجد حبیبی

علاقه‌مندان کتاب و کتاب‌خوانی معمولاً شاعر یا نویسنده یا اندیشمندی محبوب دارند که جایگاه و احترام ویژه‌ای برایش قائل هستند. آن‌ها نوشته‌های او را می‌خوانند و در بحث و گفت‌وگو از آن نقل قول می‌آورند و چه بسا این نوشته‌ها را سرمشق زندگی قرار دهند. اما گاهی ممکن است با خواندن مطلبی درباره شخصیت او یا چیزهای ناخوشایندی روبه‌رو شوند و اسطوره‌ای که از صاحب آن نوشته‌ها در ذهن ساخته‌اند بشکنند و فرو ریزد. واقعیت

این است که صاحبان قلمی که کتاب‌های شعر و داستان و مقاله محبوب ما را می‌نویسند آدم‌هایی ممکن‌الخطا همچون خود ما هستند. خلأقیّت و هوش و اندیشه از آن‌ها انسان‌های معصوم نساخته است. هرچند احتمالش کم نیست که نفس مطالعه و تفکر فرد را به انسان بهتری و اجتماع بدل سازد. توجه به کاستی‌های انسانی، کمترین سودش این است که هنگام مواجهه با مطلبی درباره خطاهای بزرگ فلان صاحب‌قلم، چندان غافل گیر و سرخورده نمی‌شویم و حتی می‌توانیم همچنان از خواندن نوشته‌های او لذت و بهره ببریم. اینکه گفته‌اند «به گفته بنگر و نه به گوینده» موضع‌گیری ژرف و هوشمندانه‌ای است که در برخورد ما با شاعر و نویسنده و اندیشمند مورد علاقه‌مان هم بسیار راهگشاست. ظاهراً برخی پژوهشگران ادب و فرهنگ به لزوم مقایله با بت‌سازی حساسیت ویژه‌ای داشته‌اند و مطالبی دراین‌باره منتشر کرده‌اند. «روشنفکران» (پال جانسن. برگردان فارسی جمشید شیرازی. نشر فرزان روز) یکی از این کتاب‌هاست. نویسنده در این اثر خواندنی و البته آزاردهنده، به رغم اثرگذاری روشنفکران بر شیون سیاسی و اجتماعی و... جوامع بشری در دو سده گذشته، آنان را سخت به‌تازیه‌انه انتقاد نواخته است. جانسن از ضعف‌ها و توهم‌ها و رذالتی می‌گوید که درباره زندگی روسو، مارکس، همنیگوی، سارتر، چامسکی و دیگران ذکر شده است. برای نمونه در فصل مربوط به کارل مارکس آمده است که این اندیشمند معروف در همان حال که از بی‌عدالتی سرمایه‌داران علیه کارگران می‌نوشت، به‌زن خدمتکار سخت‌کوشی که در خانه مارکس زندگی و کار می‌کرد حتی یک شاهی دستمزد نپرداخت! زن فرودست که هلن دومت نام داشت. از جهت دیگری هم مورد استثمار اندیشمند نامدار قرار گرفت. حال آنکه مارکس متأهل بود! در این کتاب از «دروغ گویی‌های ارنست همینگوی در حرفه خبرنگاری نوشته شده و به بی اخلاقی‌های برتولت برشت در مواجهه با زنان پرداخته شده است. درباره هنریک ایبسن، نمایش‌نامه‌نویس برجسته نروژی، آمده است که اشتیاق زیادی به مدال و نشان و در ضمن به نمایش دادن مدال‌ها و نشان‌های کسب کرده‌اش در میان جمع داشته است. بر پایه این کتاب، ایبسن گاه در میهمانی یا حتی در خیابان مدال‌هایش را از خود آویزان می‌کرده است! مطالعه کتاب «روشنفکران»، به احتمال زیاد بسیاری از کتاب‌خوان‌ها را خواهد آزرد. اما با درنگ و ژرف نگری می‌توان این رنجش را مجالی ساخت برای رفتار منطقی و خردمندانه با علایق خویش. برای اینکه در یابیم نیازی نیست به علت خطاهای فلان نویسنده و بهمان شاعر محبوبمان از ایشان روی‌گردان شویم و همچنین می‌توانیم از نوشته‌های مهم و ماندگارشان استفاده کنیم فقط باید درنظر بگیریم که بت‌سازی بر خلاف تعقل است!

این گوی و این میدان

معرفی کتاب «گوی و چوگان (سرگذشت ورزش در ایران)»

ورزش از جمله فعالیت‌های مهم انسان محسوب می‌شود که با هدف سرگرمی، سلامت، افزایش آمادگی و قدرت جسمانی انجام می‌شود. در بسیاری از ورزش‌ها وسیله‌ای نقش دارد که همه ما از کودکی آن را می‌شناسیم. این وسیله جذاب و دوست‌داشتنی، توپ است. توپ‌ها در بسیاری از بازی‌های ورزشی نظیر: فوتبال، والیبال، بسکتبال، تنیس و ... نقش پررنگی دارند. دانستن تاریخچه ورزش‌های گوناگون، خاستگاه و چگونگی ابداع و سیر تحول و تکامل آن‌ها برای بسیاری از علاقه‌مندان به ورزش جذاب است. در کتاب «گوی و چوگان» با یک بازی ورزشی آشنا می‌شویم که می‌توان آن را به‌نوعی نیای بازی‌هایی نظیر فوتبال، گلف و هاکی نامید. این کتاب اطلاعات بسیار خوبی درباره سرگذشت ورزش در سرزمین ایران دارد و هرچند برای نوجوانان نوشته شده است، به دلیل تصاویر رنگی و جذابی که دارد می‌تواند برای برخی از کودکان نیز جالب باشد. ورزش چوگان از قدیمی‌ترین ورزش‌هایی است که به صورت گروهی و با توپ بازی می‌شود. این ورزش از دوران مادها تا امروز رونق دارد. در این بازی دو گروه اسب‌سوار، با چوبی که نوک آن برآمده است و به آن چوگان می‌گویند به توپ کوچکی که «گوی» نامیده می‌شود می‌کوبند تا آن را از دروازه‌های حریف عبور دهند. این کتاب با زبانی ساده و لحنی داستانی،

از گذشته‌های دور سخن می‌گوید که ایرانیان چوگان بازی می‌کردند. در این کتاب می‌خوانیم که چطور این بازی مایه سرگرمی و تفریح ایرانیان را فراهم می‌کرد و چه تاریخ و سرگذشت جالبی دارد. «گوی و چوگان (سرگذشت ورزش در ایران)» راجمال‌الدین اکرمی نوشته و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آن را منتشر کرده است.

زین قدیر

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

حروف اضافه مرکب از یک حرف اضافه ساده پیش یا پس از واژه‌ای دیگر ساخته می‌شوند که اسیم یا صفت یا حرف است.

● فرهنگستان زبان و ادب فارسی در «دستور خط فارسی» و «فرهنگ املایی خط فارسی» نگارش حروف اضافه مرکب را اینیم فاصله پیش نهاد کرده است.

به نمونه‌های زیر توجه کنید:
از دیدگاه، از جمله، از لحاظ، از نظر، با وجود، بر اساس، بر حسب، برخلاف، بر طبق، به جای، به جهت، به خاطر، به عنوان...»

#زین_قدیر_پارسی

کتاب خاطرات مرحوم علی شمعدری در مشهد رونمایی شد

ادای دین به «متولد چهل و دو»



گروه فرهنگ و ادبیات

گزارش خبری
آیین رونمایی از کتاب «متولد چهل و دو»، مرور خاطرات زنده یاد حاج علی آقاشمقدری، یار دیرین رهبر معظم انقلاب، با حضور جمعی از استادان، فرهیختگان، علاقه‌مندان به کتاب و کتاب‌خوانی پنجشنبه ۲۶ آبان‌ماه در سالن همایش مرکز نمایشگاه‌های آستان قدس رضوی حرم مطهر رضوی برگزار شد.

سیدعلیرضا مهرداد، نویسنده کتاب «متولد چهل و دو»، در این مراسم که به همت دفتر نمایندگی حفظ و نشر آثار حضرت آیت... خامنه‌ای در مشهد برگزار شد، گفت: «من از کشیک حرم به این مراسم آمده‌ام و خیلی دلم می‌خواست با لباس خادمی اینجا حاضر شوم، چون حاج علی آقای شمعدری هم کشیک ما بود.

من هر وقت وارد آسایشگاه می‌شدم می‌دیدم حاج علی آقا قرآن روی پیشانی است و تمام مدت را با قرآن می‌گذرانند. آقای صدوقی، پژوهشگر گران قدری که اینجا حضور دارند حدود ۳۵ جلسه با علی شمعدری مصاحبه کرده بود. انبوهی از کاغذهای پیاده شده را در دفتر انتشارات انقلاب اسلامی در مشهد جلو من گذاشتند و گفتند با این‌ها چه کار می‌توانی بکنی و نتیجه اش شد این کتاب.»

● به معنای واقعی یکی از خواص زمانه بود حمیدرضا صدوقی نیز در این مراسم گفت: در طول ۳۵ جلسه مصاحبه‌ای که با مرحوم شمعدری داشتم ایشان با دقت فراوان، صداقت تمام و با عشقی که نسبت به نهضت امام خمینی داشتند

سعی می‌کردند خاطرات خود را از دورانی که با رهبر معظم انقلاب بودند بازگو کنند. در مدتی که با مرحوم شمعدری مصاحبه و گفت‌وگو داشتم متوجه شدم که این فرد به معنای واقعی یکی از فرهیختگان و خواص زمانه بودند.»

● انتشار خاطره‌های مرحوم شمعدری ادای دین به انقلاب است



سید مرتضی بختیاری، رئیس کمیته امداد امام خمینی^(۱)، هم‌طی سخنانی به‌مقام والای مرحوم شمعدری اشاره کرد و گفت: «مرحوم شمعدری انسانی وارسته بود و رهبر انقلاب در پیام تسلیتی که به مناسبت رحلت این مرد خدایی صادر کردند از ایشان به‌عنوان مردی مؤمن، انقلابی، متشرع و سرباز جبهه حق یاد کرده‌اند.» وی افزود: بیان خاطرات مرحوم شمعدری که در کتاب «متولد چهل و دو»، به چاپ رسیده در واقع ادای دین به انقلاب و شخصیت‌های انقلابی است.»

● بیان ویژگی‌های رهبر انقلاب اسلامی در قالب خاطرات دوستان و

همراهان ایمان عطارزاده، معاون هماهنگی و رئیس حوزه ریاست دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای نیز در سخنانی گفت: رونمایی از این کتاب، یک رویداد فرهنگی با موضوع تقدیر و تجلیل از مقام مجاهد ولایت‌مدار مرحوم «حاج علی شمعدری» است و به‌بهانه رونمایی از این کتاب جمع شده‌ایم تا به همه کسانی که در طول حیات مبارک خود درس



ولایت‌مداری به نسل جوان و مردم داده‌اند، عرض ارادت کنیم. وی با اشاره به مأموریت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در زمینه حفظ و صیانت و نشر اندیشه‌های رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کرد: این دفتر تلاش می‌کند در عرصه‌های مختلف در گستره داخل و خارج از کشور این مأموریت را به انجام برساند. عطارزاده افزود: مجموعه کتابی که امروز از آن رونمایی می‌شود، نخستین جلد از مجموعه کتاب‌هایی است که در حوزه تاریخ شفاهی و با عنوان «در حدیث دیگران»، قرار است روایت‌های مختلف افراد با مقام معظم رهبری را روایت کندو بیانگر سیره و منش ایشان در قالب بیان خاطرات این افراد باشد.

کتاب «متولد چهل و دو»، مشتمل بر ۱۵ فصل شامل «متولد خرداد ۱۳۴۲»، «از جلسه‌تأمینارزه»، «در محضر استاد»، «زندان به زندان»، «آرام، ولی پویا»، «در تبعید»، «۱۲۰ روز»، «مرادت اینجاست»، «این همه کار»، «باتو کار دارم»، «می‌خواهم بروم قم»، «سفرها»، «روزهای خیلی سخت»، «بنشین پای درد دلشان» و «به روایت تصویر، است» در ابتدای نخستین



فصل این کتاب آمده است: «اینکه کسی تولدش یادش بیاید چیز عجیبی است. اما من از جمله کسانی هستم که می‌توانم ادعا کنم تولدم را دیده‌ام. یعنی تولدم را یادم می‌آید. البته نه آن تولدی که آدم از مادر متولد می‌شود، بلکه آن زمانی که آدم جدیدی می‌شوی و زندگی را دوباره شروع می‌کنی. از قسمت اول زندگی‌ات کاملاً متفاوت است و اینکه به یک باره همه دلبستگی‌ها و علایق گذشته‌ات را

رها کنی و بشوی یک آدم متفاوت...» مرحوم شمعدری در بخش دیگری از این کتاب و در بیان خاطرات خود پس از آغاز رهبری رهبر معظم انقلاب این گونه می‌گوید: «وقتی برگشتم مشهد، معلوم شد کار خصوصی که آقا برای من در مشهد در نظر گرفته‌اند، دفتر ارتباطات

مردمی است. در مشهد ابتدا در جامعه انجمن‌های اسلامی اصناف مستقر شدم. چون متولی مسجد بودم، رفتم همان‌جا. البته می‌خواستند در صحن آزادی حرم اتاقی در اختیار ما بگذارند که من نخواستم. می‌خواستم مستقل باشم و زیر نظر اداره و جایی نباشم...»



قسمت می‌کند. در داستان‌های اساطیری دیگر نیز «ارکاس» سرزمین خود را در میان سه فرزندش و «ژئوس» جهان را میان خود و دو برادرش تقسیم می‌کند. در برخی متون اسلامی نیز به نقل از روایات کهن سامی آمده است که حضرت نوح^(ع) زمین را به سه پسرش داد. در این شکل جغرافیایی، بخش میانی جهان که «ایران شهر» نام دارد، از همه‌جا آبادتر و زیباتر است، چنان که نظامی‌گنجوی در «هفت‌پیکر» می‌گوید: «همه عالم تن است و ایران دل!، به‌همین علت است که برادران «ایرج» به او حسادت می‌کنند و او را می‌کشند و بدین ترتیب جنگ‌ها و انتقام‌جویی‌های طولانی مدت میان ایرانیان و تورانیان درمی‌گیرد و بخش مهمی از داستان‌های حماسی شاهنامه را شکل می‌دهد.

به معنای اهالی توران یعنی آسیای میانه می‌آید. همچنین «دشت نیزه‌وران» همان عربستان است که در بخش‌بندی‌های جهان کهن در کنار ایران شمرده می‌شود. در این بیت‌ها مشخص می‌شود که پادشاهان پیشین از گیومرت تا فریدون در اصل فرمانروای گستره‌گیتی بوده‌اند و مرکز حکومتشان «ایران» بوده است، درحالی‌که پادشاهان بعدی فقط فرمانروای ایران‌اند.

به نوشته پژو هشرگران، یکی از بن‌مایه‌های اساطیری در ملت‌های باستانی بخش‌بندی زمین است و بخش‌بندی‌های هگانه و چهارگانه و هفت‌گانه در روایت‌های هندی و یونانی و ایرانی دیده می‌شود. به روایت «شاهنامه» فریدون جهان را سه

«تور» می‌نامد، زیرا این نام به معنای «دلیر و پهلوان» است.

نام پسر سوم را نیز که «ایرج» گذاشته، به معنای «یاری‌رساننده ایران» است. فردوسی در این بیت‌ها می‌گوید: فریدون وقتی رازها را آشکار ساخت، جهان را سه بخش کرد، بخش اول «روم و خاور»، بخش دوم «توران و چین» بخش سوم «ایران و عربستان»، نخست «سلم» را برای پادشاهی روم و خاور سزاور دانست، سپس فرمانروایی بر ترکان و چینیان را در توران به «تور» واگذاشت، وقتی نوبت به «ایرج» رسید نیز او را برای پادشاهی ایران برگزید و فرمانروایی ایران و عربستان را به او داد.

در حماسه ملی ایران، «خاور» برخلاف مفهوم امروزی‌اش به معنای «مغرب‌زمین» است. «ترکان»

نهفته چو بیرون کشید از نهان به سه بخش کرد آفریدون جهان یکی روم و خاور، دگر ترک و چین سیّم دشت‌گردان و ایران زمین نخستین به سلم اندرون بنگرید همی روم و خاور و مر او را سزید دگر تور را داد توران زمین ورا کرد سالار ترکان و چین از این دو نیابت به ایرج رسید هم ایران و هم دشت نیزه‌وران همان تخت شاهی و تاج سران فریدون سه پسر دارد و با توجه به ویژگی‌های شخصیتی برای آن‌ها نام برمی‌گزیند. نام پسر بزرگش را که اهل سلامت‌جویی است «سلم» می‌گذارد.

پسر دوم را به دلیل تندخویی و پرخاشگری اش



شاعر و پژوهشگر دیرپا و پژوهشگر

چغوک، چکاوک، کیشکیک

درباره چند واژه که دست کم هزار سال پیش هم استفاده می‌شده‌اند

جز بال‌ها، باقی پره‌ای بدنش یکرنگ باشد) و «طوقی»، حاصل شده باشد. کیشکیک می‌گویند. کیشکیک البته ظاهراً نام عمومی کبوترهای ارزان قیمت هم هست. امیدوارم توضیح‌انتم درباره کیشکیک‌ها چندان دور از دانش و ورزش کبوتربازی نباشد، اما این واژه هم بیشتر از آنکه صرفاً در گویش مشهدی تداول داشته باشد، تغییر یافته یک واژه کهن است. «کشکرک» در کتاب «فرهنگ پهلوی»، استاد زنده‌یاد «بهرام فره‌وشی» به معنی گونه‌ای کلاغ ذکر شده، گونه‌ای که روزگار معاصر از آن به عنوان «کلاغچه»، «کلاغ زاغی» یا «آگه» یاد می‌شود. احتمالاً الگوی درهم آمیختگی رنگ پرها در کلاغچه، باعث شده کبوتر بازهای خراسانی در روزگاران کهن، گونه‌ای از کبوترها را هم «کشکرک» بنامند که امروزه روز «کیشکیک» خوانده می‌شود.

و جالب آنکه اینجا واژه «چغوک» به همراه شکل دیگری یعنی «چکوک»، آمده است. می‌توان نتیجه گرفت که دست‌کم در روزگار لیبیی، یعنی هزار سال پیش هم «چغوک» در زبان فارسی معیار تداول داشته است و هم شکل دیگر آن که «چکوک» باشد. «چکوک» که ظاهراً در همان روزگار لیبیی هم به گونه‌ای خاص از گنجشک اطلاق می‌شده، در روزگاران پس از او، به شکل «چکاوک» درآمده است و همچنان در زبان معیار، تداول دارد و باز جالب آنکه مشهدی‌ها به چکاوک (جل)، «چغوک بیابانی» هم می‌گویند. دیگر واژه‌ای که گاه بر سیبل استهزا، معرف گویش مشهدی می‌شود، واژه «کیشکیک» است. کفتر بازهای مشهدی به کبوتری که از جفت‌گیری کبوتر «پشتی» (یعنی کبوتری که



روژنامه‌نگار حسن احمدی‌فرد

«بوشکور بلخی» که در زمره نخستین شاعران زبان فارسی است و در یکی از بیت‌های پراکنده‌ای که از دفتر شعر او باقی مانده واژه «چُکُک» را به همراه واژه «باز» (عقاب) «باشه» (شاهین) و «بط» (مرغابی) به‌کار برده است. اگر بازی اندر چکک کم نگر و گر باشه‌ای نزد بطن مهر و جالب آنکه تضاد میان «باز» به عنوان سلطان پرندگان و «گنجشک» به عنوان پرنده کوچک، در همه دوره‌های بعد ادب فارسی، متداول بوده است. در شعر «لیببی» نیز که شاعر نیمه نخست قرن پنجم بوده و در خراسان می‌زیسته و از او هم جز بیت‌هایی پراکنده شعری باقی نمانده، به واژه «چکوک» اشاره شده است. چون ماهی شیم، کی خورد غوطه چغوک کی دارد خند خیره سر لحن چکوک

آن‌هایی که می‌خواهند ادای مشهدی بوند دربیاروند، معمولاً از گویش مشهدی با یکی دو کلمه شاخص یاد می‌کنند، یکی از آن‌ها کلمه «چنوک» است، مشهدی‌ها به گنجشک می‌گویند چنوک، و همین کلمه گاه دستمایه‌ای می‌شود برای استهزای خواسته ناخواسته گویش مشهدی. از قیاحت به سخره گرفتن گویش‌ها که بستر انتقال خرده فرهنگ‌ها هستند که بگذریم باید دید آیا واژه چنوک کلمه‌ای است که صرفاً در گویش مشهدی تداول دارد، یا نه کلمه‌ای است که در زبان معیار هم هست. اگر اهل تورق متون تاریخی، تا تغال زدن به دیوان شاعران زبان فارسی باشید، حتما اشکال کهن تر واژه چنوک را دیده‌اید، «چُکُک»، «چُگُک» و «چُگُوک» بخشی از این اشکال هستند.